

گفت و گو با
یک عکاس جهانی
ترجمه‌ی: میراندا معاونی

نیویورک غلبه کند. مجله‌ی "Artnews" این نقاش ۵۷ ساله را از شمار یکی از شخصیت‌های نافذ و مؤثر در دنیای هنر می‌داند و مجله New York Times از او به عنوان هنرمند چهره‌ها یاد می‌کند.



"چاک کلوز" (Chuck Close)

نقاش آمریکایی، متولد سال ۱۹۴۰ در شهر سننوو واقع در ایالت واشنگتن است. او تحصیلات هنری خود را در دانشگاه بال و نزد آلکس کاتز به پایان رساند. کلوز در سال ۱۹۶۷ سبک هنری‌اش را بسط و گسترش داد و در سال ۱۹۷۳ نمایشگاهی از آثارش را در موزه هنر مدرن "Museum of Modern Art" برپا کرد. او در سال ۱۹۸۸، بر اثر بیماری معلول شد و از آن زمان، مجبور به استفاده از ویلچر شده است.

مجله‌ی فوکوس، چاپ آلمان، گفت و گویی را با او انجام داده، که می‌خوانید:

● آقای کلوز، شما از برگزاری مجموعه آثار گذشته‌تان در موزه

متروپولیتان نیویورک، به علت محدودیت فضای نمایش‌گاه، امتناع کردید و به همین خاطر محل این نمایش‌گاه به موزه‌ی Modern Art تغییر یافت. آیا این کار شما به معنای زیر پا گذاشتن مکان‌های هنری آمریکا نیست؟

خوب، باید بگویم من تحمل این‌گونه قدرت‌نمایی‌ها را ندارم. حتماً اگر یکی از مهم‌ترین موزه‌های دنیا باشد. اما این را نیز اضافه کنم که من و مدرسه موزه یک دیگر را خوب درک می‌کنیم. نمایش‌گاه‌های هنری باید صحیح برگزار شوند.

● کلمنت گرین‌برگ، یکی از معروف‌ترین منتقدان هنری ویلم دو کونینگ را از سال ۱۹۴۹، به خاطر تداوم نقاشی‌هایش از صورت و چهره‌ها، مورد استهزاء و تمسخر قرار داده، و این دقیقاً همان کاری است که شما از دهی قبل دارید انجام می‌دهید.

من از خودم هم متعجب شده‌ام. اما برای من قسمت سر جالب‌ترین قسمت بدن است. من ترجیح می‌دهم به جای عوض کردن طرح و مضمون هنری، تکنیک و مواد را تغییر دهم.

● شما غالباً به نقاشی از چهره‌ی دوستان و آشنایان خود می‌پردازید. فکر می‌کنید روزی هم به سراغ چهره‌های غریبه بروید؟

من هرگز کار سفارشی قبول نکرده‌ام. برای من نوع ارتباط با اشخاصی که از صورت‌شان نقاشی می‌کنم، بسیار مهم است. کار من به این صورت است که با دوربین‌های بزرگ پولاروئید، چندین عکس از شخص مورد نظر می‌گیرم و پس از ظهور، بهترین را به عنوان نمونه انتخاب می‌کنم. سپس چهره را بر روی بوم یا پرده‌ی بسیار بزرگی منتقل کرده و جزئیات چهره را توسط رنگ‌کنار یک دیگر قرار می‌دهم.

● فکر نمی‌کنید که اگر چهره‌ها را بیش از اندازه بزرگ کنید از حالت طبیعی خارج می‌شوند؟

برای من چهره‌ی افراد مثل نقشه‌ی خیابانی است که هستی و زندگی واقعی‌شان بر آن جاری و پیداست به عبارتی می‌توان چهره‌خوانی کرد. گاهی اوقات بر روی صورتی، خطوطی از خنده را می‌بینی و گاهی چین و چروک‌هایی که حاکی از غم و اندوه‌اند. علایم و حالات صورت، قاعدتاً بر روی پرده‌ی سه متری نیز، آشکار کننده‌ی واقعیت است.

● آثار شما بیش‌تر از چه منابعی الهام گرفته‌اند؟

من هنرمندان زیادی را که برای خلق آثارشان احتیاج به الهام دارند، نمی‌شناسم. اما این افسانه‌ای است که گریبان‌گیر هر هنرمندی می‌شود نقاشی قمار نیست که فقط بتوان از آن لذت برد. هنر غالباً پر زحمت است و به راحتی در دست نمی‌چرخد.

● آقای کلوز، بیمار فلج قدرت تحرک را از دست‌های‌تان گرفته، با این حال چگونه می‌توانید کارتان را ادامه دهید؟

به دلیل بی‌حسی انگشتانم، تخته‌ای را که قلم مو به آن وصل است، به میج دستم می‌بندم و سپس شروع به کار می‌کنم. البته کار بسیار کند صورت می‌گیرد و سالانه فقط می‌توانم ۲ تابلو را آماده‌ی عرضه نمایم. مع‌الوصف از این که قادر به ادامه‌ی کار هنری‌ام هستم، بسیار خوشحالم.

● بعضی افراد معتقداند که کار شما نسبت به ده سال گذشته به مراتب بهتر شده است؟

برای من بهتر شدن آثارم اهمیتی ندارد، بلکه این موضوع مهم است که پس از گذشت ۳۰ سال، هنوز به‌گونه‌ای مشتقت‌آمیز درگیر کارم هستم. من معتقدم که بزرگ‌ترین دشمن یک هنرمند، آسان گرفتن کارش است.

مشتقت باعث پیشرفت و توسعه‌ی هستی‌خلاقه‌ی، آدمی است. من همواره سعی در تغییر تکنیک‌های نقاشی‌ام دارم و در این راستا نیز تجربه‌های زیادی به دست آورده‌ام.